

۱۲ شما یکی از بیش‌کسوتان ساخت سریال در شبکه نمایش خانگی هستیند و تاکنون سریال‌هایی هم که ساخته‌اید، واکنش‌های مثبت و منفی به دنبال داشته و به‌هرحال دیده شده‌اند. با توجه به اینکه این روزها تحلیل‌های ضدوقیضی درباره فضای حاکم بر نمایش خانگی به گوش می‌رسد، تحلیل شما از این موضوع چیست؟

یادم می‌آید بعد از اتفاقاتی که در انتهای فصل دوم «قلب یخی» افتاد- دیدم که دیگر نمی‌توان با همان شیوه ادامه داد- به واسطه همه مشکلات و فشارها و حتی هزینه‌هایی در سازمان صداوسیما ی از زمان بر دوشم نشست. این کار حتی باعث شد تقریباً یکی، دو سال به شکل محترمانه‌ای اجازه ندادند در تلویزیون کار کنم! البته شاید به دلیل اینکه «قلب یخی» اولین کاری بود که در این زمینه تولید می‌شد و بازتاب عجیبی که داشت، چندان غیروطبیعی نبود اگر چه بعداز آن و به دنبال موفقیت و فروش بسیار بالای این سریال پیشنهادهای کاری زیادی هم به من شد؛ اما مدتی متوقف شدم!

۲ به چه دلیل؟!

شاید احساس کردند پررو شده‌ایم و باید ادب شویم! اتفاقات انتهای «قلب یخی» باعث شد من همان زمان مصاحبه‌ای با این محتوا انجام دهم که «شبکه نمایش خانگی جوانمگر می‌شود!» واین چیزی است که اگر روند تولید مجموعه در شبکه نمایش خانگی اصلاح نشود، تقریباً دارد اتفاق می‌افتد.

۳ همان اوایل که هنوز توجهات به این رسانه جلب نشده بود، این را گفتید؟

بله؛ دقیقاً همان وقت‌ها بود.

۴ مبنای تحلیل‌تان چه بود؟

اساس آن نگاه متوجه ضعفی بود که مدیران وقت ارشاد دربارۀ جایگاه و کارکرد این رسانه جدید داشتند؛ به معنی اینکه شناخت درستی از اینکه یک رسانه یا چه هدفی ایجاد می‌شود، نداشتند. این یک دلیل است؛ اما اینکه بعداً مسئولان و متولیان آن را به کدام مسیر هدایت می‌کنند، مقوله دیگری است؛ ضمن اینکه آن زمان روی وزارت ارشاد هم فشار زیادی از طرف سازمان صداوسیما بود و تلاش زیادی شد که جلوی ساخت سریال «قلب یخی» گرفته شود؛ چون اساساً «قهوه تلخ» هم برای شبکه نمایش خانگی ساخته نشده بود و برای صداوسیما بود. در نتیجه همه حساسیت‌ها روی قلب یخی متمرکز شد. در آن زمان وزارت ارشاد در موضع انفعال قرار گرفت.

۵ در برابر چه چیزی؟

در برابر محتوا و اتفاقاتی که برای این رسانه می‌افتاد.

۶ شاید چون تجربه‌ای در این زمینه نداشتند؟

بله و به‌همین‌دلیل هم بعد از اتمام «قلب یخی» و «قهوه تلخ» تا مدتی خبری از ساخت سریال‌های شبکه نمایش خانگی نشد؛ تا اینکه چرخه‌های سریال شروع شد؛ البته فکر می‌کنم یکی، دو سال آخر در دولت احمدی‌نژاد و زمان حضور آقای شمعدری اصولاً بخشی متعلق به شبکه نمایش خانگی در ارشاد وجود نداشت؛ یعنی در ساختار جدیدی که معاونت سینمایی به سازمان سینمایی تبدیل شد، کلاً صورت مسئله را پاک کردند؛ بعد از فصل سوم «قلب یخی» که به آقای میرباقری بعد از سریال تلویزیونی «مختارنامه»، برای شبکه نمایش «شاهگوش» و «ندون‌طل» را کار کردند. به نظرم «شاهگوش» را باید به‌نوعی رنسانس در شبکه نمایش خانگی بدانیم؛ چون بعد از دوره فترتی که به وجود آمد، بین تمام سریال‌ها که در این زمینه پیشرو بودند، «شاهگوش» مجدداً با موفقیتش و رفتی به این رسانه بخشد.

۷ البته سریال ناموفق هم کم نداشتیم!

بله؛ کار غیرموفق هم داشتیم؛ مثلاً «ایله» کمال تبریزی یا «سینگال موجود است» که جواد رضویان کارگردانی کرد؛ اما «شاهگوش» با موفقیتش انگار دوباره توجه‌ها را به شبکه نمایش خانگی جلب کرد؛ البته «شاهگوش» فقط این کار را نکرد؛ بلکه این سریال ساخت سریال در شبکه نمایش خانگی را به‌عنوان یک امکان تجاری نیز مطرح کرد. شما برای اولین‌بار در سریالی به تهیه‌کنندگی مهران برومند و کارگردانی آقای داوود میرباقری اسم شخص دیگری را به‌عنوان سرمایه‌گذار در تیزرآز دیدید.

۸ احسان دلاویز؟

بله و آن زمان درباره ایشان سروصدا شد و شما امروز ایشان را به‌عنوان یکی از متهمان بانک سرمایه می‌بینید.

۹ به موضوع مهمی اشاره کردید. اگر از این زاویه نگاه کنیم، می‌بینیم امروز در دادگاه کنار نام احسان دلاویز، اسم دو نفر دیگر هم به‌عنوان متهم بر سر زبان‌هاست که یکی هادی رضوی و دیگری که مشهورتر از اوست، محمد اسمان نام دارد که روی سریال پرمخاطب «شهرزاد» سرمایه‌گذاری کردند؛ اگرچه ورود همین نوع سرمایه‌ها برای سینما و شبکه نمایش خانگی مشکلات زیادی درست کرده است...

من درباره این موضوع ارزیابی خاصی ندارم؛ چون اسوه قضائیه باید این کار را بکند و این جمله متعالی‌ای است که وقتی قوه قضائیه به جرم یا اتهام کسی رسیدگی می‌کند، بقیه آدم‌ها از آن اتهام بری هستند. این جمله خیلی به کار برده می‌شدد؛ بنا بر این گزاره امروز می‌توانیم تحلیل‌هایمان را بیان کنیم؛ پس وقتی دستگاه قضائی وجود دارد، ما نمی‌توانیم همه سرمایه‌گذاران را در این دسته‌بندی قرار دهیم. این واقعیت که حوزه رسانه باید سرمایه و سرمایه‌گذار جذب کند، نباید با رفتار و اهداف فرامشی برخی سرمایه‌گذاران خلط شود.

۱۰ متوجه تحلیل شما هستم؛ اما در شکل استاندارد چه فرایندی باید طی شود تا مورد استقبال قرار بگیرد؟ ببینید اینها که عرض کردم خودش فرایندی بود که در شبکه نمایش خانگی طی شد؛ یعنی اول یک رسانه جدید ایجاد شد. دلشام هم نباید این بود که صداسوسیما به به هر چیزی اجازه پخش نمی‌دهد. طبیعی هم هست که بر اساس نگاه و افق رسانه تصمیم بگیرد. مختصات خودش را دارد و رسانه‌ای نیست که برای تولیدکنندگان لزوماً بار اقتصادی وژه‌ای داشته باشد. دوم اینکه اتفاقاً یکی از مشکلات بعضی آثار شبکه نمایش خانگی که شکست خورند این بود که مال این رسانه نبوده‌اند؛ یعنی درک تفاوت و این دو رسانه را نداشتند. درحالی‌که این

سریال‌ها به راحتی می‌توانستند در سازمان صداوسیما ساخته و پخش شوند. این تصور غلطی بود که آنها لابد میزری حجاب داشته‌اند و... من به ضرس قاطع می‌گویم هیچ فیلم و سریالی را در شبکه نمایش خانگی یا حتی در سینما نمی‌توانیم پیدا کنیم که اگر فلان خانم روسری‌اش جلوتر برود فروش نداشته باشد یا برعکس! حداقل امروز در رسانه‌های اجتماعی عکس‌های بدحجاب یا گاه بی‌حجاب دیده می‌شود و مثل دهه ۶۰ نیست و متأسفانه عادی شده. بنابراین گاهی میزری سریال‌ها در حد حجاب است نه قصه؛ مثلاً سریال «شهرزاد» را به راحتی می‌توانید با «بانوی عمارت» به لحاظ تم و فضای قصه در یک کفه ترازو بگذارید. البته این مثال درباره یک سریال بسیار موفق است وگرنه خیلی‌ها سریال «زیاذرفته‌ها» را هم با «شهرزاد» مقایسه کرده‌اند. اما وقتی «قلب یخی» را شروع کردیم احساس می‌کردیم این رسانه مبتنی بر نیاز بازار و دارای بار اقتصادی است و حالا باید مخاطب برایش هزینه کند و مثل صداوسیما نیست که مخاطب رایگان اثر را ببیند. هرچند که البته آن هم در نهایت رایگان نیست، ولی بدون اینکه مخاطب بداند، غیرمستقیم پول محتوایی را که از سازمان صداوسیما می‌بیند پرداخت می‌کند. پس اینجا باید حرف دیگری بزنیم. اگر قرار بود همان را که در سینما ببینیم در اینجا دیده شود، چه جذایبتي خواهد داشت؟ شکست خیلی از سریال‌ها دلایلش این بود. حتی سریال «هیولا» الان در تلویزیون هم قابل پخش است. شاید بخش غیرقابل پخشش حجاب بازیگران باشد که آن هم قابل حل است.

۱۱ پس باید کاری متفاوت از تلویزیون انجام شود؟

دقیقاً گفتم این شبکه «جوانمگر» می‌شود، چون در نگاه متولیتانی که مدعی هدایت و نظارت بودند، این نبود. حتی نمی‌دانستند چگونه باید فضای جدید را پیش ببرند.

۱۲ به دلیل عدم شناخت؟

و همچنین به دلیل عدم تلاش! شاید بیشتر تلاش شد بطور سرونه ماجراجی را که به وجود آمده جمع‌وجور کنند یا شاید آن قدر درگیر مسائل فرامشی شدند که موقعیت طلایی از دست رفت.

۱۳ به‌اصطلاح نتوانند بر آن مسلط شوند؟

تقریباً. به همین دلیل دو سال به راحتی این فضا به‌روث شد؛ تا امروز که فکر می‌کنم سال گذشته و امسال بالاترین حجم تولید محتوا به جهت کمی را شاهد بودیم. الان پنج، شش سریال در حال تولید هستند و به سریال اخیراً پروانه ساخت گرفته‌اند. خبر دارم که دو سریال دیگر هم به زودی شروع به کار می‌کنند. به نظرم تا آخر سال حدود ۱۰۱۲ سریال شبکه نمایش خانگی خواهیم داشت و پیش‌بینی می‌کنم امسال و سال بعد هم دچار انفجار محتوا در شبکه نمایش خانگی خواهیم شد! که امیدوارم جذایبت آن را برای مخاطبی که باید دست‌به‌جیب شود و محتوا بخرد از این نبریم. اینها منهای مشکلاتی است که افراد آماتور به‌عنوان سرمایه‌گذار برای دستمزدها و بالابردن هزینه‌های تولید برای صنف ایجاد کردند.

۱۴ یعنی رقابت یقینی وجود ندارد؛ هرکس به اینکه سرمایه‌گذار خاص این مدیوم را بشناسد؟ نمی‌شود کاملاً این‌طور گفت. نمی‌شود گفت همه سریال‌ها ساخته می‌شوند چون سرمایه‌گذار پیدا کرده‌اند. بعضی از آنها واقعاً گروه‌های حرفه‌ای دارند. منتها در هر مجموعه وجود سرمایه لازمۀ کار است

۱۵ به عبارتی وجود سرمایه‌گذار؟

چند هفته قبل در یک برنامه سینمایی تلویزیون دیدم آقای خیلی محترم و باسواد آقای تعجب می‌کرد از اینکه تهیه‌کننده یک کسی است و سرمایه‌گذار کسی دیگر! برایم عجیب بود. یعنی ایشان به‌عنوان کسی که سینما را می‌داند، واقعاً تا به حال فکر می‌کرد مثلاً تهیه‌کننده‌ای مثل «سلزنیگ» درگذشته یا ساموئل گلدوین و... همه پول فیلم را خودش شخصصاً می‌داده؟ یا این‌طور به نظر می‌رسد که تهیه‌کنندگان قدر کمپانی‌های بزرگ فیلم‌سازی فرش زیرپایشان را می‌فرشند تا فیلم بسازند؟ مثلاً برای ساخت «پدرخوانده» مدیر پارامونت پول شخصیتش را هزینه کرده؟! اصلاً این‌طور نیست. آنجا نظام اقتصادی کاپیتالیستی متمرکتری وجود دارد، بانک‌ها، صندوق‌های سرمایه‌گذاری و حتی صاحبان صنایع و... وارد ماجرا می‌شوند. امروز سهام‌داران اصلی کمپانی‌های بزرگ و حتی شبکه‌های تلویزیونی بانک‌ها و مراکز مهم مالی هستند که گاهی شغل اصلی‌شان هیچ ارتباطی به حوزه سینما و فرهنگ ندارد.

۱۶ جالب است حتی موزه‌های بزرگی مثل «متروپلیتین» و «موما» توسط صاحبان صنایع و پولدارها و موسسات پرفروش حمایت مالی می‌شوند.

چون اعتقاد دارند باید به فرهنگ و هنر کمک کرد!

بله همین‌طور است. مهم‌ترین بنیادهایی که در آمریکا در حوزه فرهنگ و هنر و آموزش وجود دارند، مثل بنیاد کارنگی، راکفلر و... متعلق به ثروتمندان آمریکایی هستند. وقتی در مورد موزه گوتهایم صحبت می‌کنیم، بانویی به نام پگی گوتهایم که کلکسیونر و علاقه‌مند به حوزه رتسمنی بوده این موزه را پایه‌گذاری کرده که از خانواده گوتهایم‌هایی است که در صنعت فولاد و استیل سابقه قدیمی دارند.امروز آثار تهیه‌کننده‌هایی مثل جی. بروک هایمر فیلم‌های اکشن می‌سازد، خانه‌اش را نمی‌فروشد که فیلم بسازد بلکه با اعتبار بانک‌ها تعامل می‌کند.

۱۷ چرا در سینما پول شویی می‌کنند؟ سرمایه‌گذار مطرح شد و از این نظر می‌تواند پیشقراول باشد، چرا؟

به این معنی نیست که قبیل از آن سرمایه‌گذار نداشتیم. فصل دوم «قلب یخی» هم شریکی را به‌عنوان سرمایه‌گذار داشت که صاحب کارخانه تن ماهی بود؛ اما در این سال‌ها رسماً به یک یک نفر منتقل به نام سرمایه‌گذار هویت مشخصی داده شده بود که مسائلی ورای موضوع

گفت‌وگوی «شرق» با حامد عنقا، کارگردان و تهیه‌کننده سینما و تلویزیون

فاجعه بی‌توجهی مدیران ارشاد به سرمایه‌های مشکوک



عکس: سپهر تاری شرق

بحث ورود پول‌های مشکوک به سینما و شبکه نمایش خانگی وارد مرحله جدیدی شده است. به‌طوری‌که احمد مازنی، عضو کمیسون فرهنگی مجلس، روز گذشته از طرح سؤال از وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی خبر داد. واقعیت این است که در ماجرای پول‌های مشکوک که با سریال پرمخاطب «شهرزاد» کلید خورد، دو ضلع از سه ضلع چرخه تولید و عرضه - تقاضا (هنرمند، مخاطب و مدیران) مورد سؤال قرار گرفتند. برخی‌ها این پرسش را مطرح کردند که چرا «هنرمندان» با صاحبان سرمایه‌های مشکوک همکاری کردند؟ و دیگر اینکه چرا «مدیران سینما» اجازه ورود به سرمایه‌های مشکوک را داده‌اند؟ جالب است که در این مسیر مسئولان مرتبط خود را امیر از پاسخ‌گویی دانستند و پاسخ آن را به قوه قضائیه محاله کرده‌اند. اما این پرسش همچنان پابرجاست که اساساً نقش مدیران صرفاً فقط اعمال میزری است؟ یا اینکه قرار است فضایی فراهم کنند تا هنرمندان در فضایی سالم به آفرینشگری دست بزنند؟ مگر مدیری، مسئولیتی را می‌پذیرد، نباید چالش‌های آن را در نظر بگیرد و به عبارتی هزینه‌های آن «ریاست» را پرداخت کند؟ با این نگاه سراغ حامد عنقا، رقیتم و پرسش‌های خود را مطرح کردیم که پاسخ‌های قابل‌تأملی داد.

اقتصادی سینما و شبکه نمایش خانگی در آن مطرح بود. الان وضعیت به لحاظ سرمایه‌گذاری آن قدر پیچیده است که بعد از اتفاق متهمان بانک سرمایه خلی از سرمایه‌گذاران سینما دست‌به‌عصا هستند. حق دارند.

۱ بجته هم به نام پول شویی و پول کثیف داریم. شما که در این زمینه متمرکز هستیند و با صداوسیما و بخش خصوصی کار کرده‌اید، به نظر‌تان چه باید کرد که هم پول‌های تمیز با خیال راحت وارد چرخه نمایش خانگی و سینما شوند و هم این حیطه رونق بگیرد؟

موضوع سرمایه محالا ازجمله مهم‌ترین موضوعات است؛ به‌ویژه در صنعت سینما. در بیشتر جاهای دنیا پول‌های کثیف به‌ندرت وارد جریان‌های فرهنگی و به‌ویژه سینما می‌شوند که دیوار شیشه‌ای دارد. نه اینکه نمی‌شود.

آنجا پول‌های کثیف بیشتر به سینما حرف می‌زند؛ قمارخانه‌ها می‌روند؛ اما آنجا وقتی از سیستم خارج می‌شود، درباره صنعت چند صد میلیون‌دلاری صحبت می‌کنیم؛ نه اقتصاد حقیری که اینجا اسمش سینماست. سرمایه سالم احتیاج به امنیت و ضمانت بازگشت دارد؛ یعنی روزی که گفتم شبکه نمایش خانگی جوانمگر می‌شود، یکی از نتایج جوانمگرکی آن ورود پول‌های کثیف است. وقتی پول تمیز در کاری سرمایه‌گذاری می‌شود، سینما رشد می‌کند؛ مثل گذشته که در خیلی از فیلم‌های سینمایی چنین سرمایه‌گذاری‌هایی داشتیم؛ مثلاً به ۱۰ میلیارد تومان سرمایه‌گذاری، بعد از شش ماه ۲۰ میلیارد تومان برداشت می‌کردند. بخشی از سود هم این بود که چون در کار فرهنگی سرمایه‌گذاری کرده‌ام و صاحب یک بنگاه اقتصادی هستم و به شکل درستی از تولید این پول را به دست آورده‌ام، در این کار سرمایه‌گذاری می‌کنم که به سود برسم و چون در تولید یک اثر فرهنگی در جامعه مؤثر بوده‌ام، دولت به من می‌گوید پولی را که سرمایه‌گذاری کرده‌ای، تخفیف مالیاتی محاسبه می‌کنم؛ کاری که در دنیا اتفاق می‌افتد؛ اما شما این کار را اینجا نمی‌بینید.

۲ اما دفا، معافیت پنج‌ساله مالیاتی دارند؟ شخص به‌عنوان تهیه‌کننده این معافیت را دارد. من صاحب حقوقی هستم که لزوماً حقوق شخصی من با سرمایه‌ای که در اختیار می‌گیرم که کار بسازم، امتزاج ندارد. وقتی تو ثبات اقتصادی نداری، از اثری که می‌سازی، مطمئن نیستی. از طرفی بخشی از جامعه به حالت دلال‌مسکلی رسیده که همه دوست دارند یک‌شبه ره صدساله بربوند و نمی‌خواهند با صبوری به‌لایه‌های موفقیت‌را بالا ببرند؛ پس من می‌توانم ۱۰ میلیارد از کسی بگیرم، اگر آن فرد باهوش باشد و پولش سلامت باشد، برای سرمایه‌گذاری‌کردن مطمئن عمل می‌کند. چرا وقتی «بانک پاسارگاد» در فیلم اصغر فرهادی سرمایه‌گذاری می‌کند، درباره اینکه سرمایه‌گذاری درست است یا غلط، فلان منتقد تعجب نمی‌کند؟ تهیه‌کننده و سرمایه‌گذار هم یک نفر نیستند یا درباره فیلم‌های دیگری مثل فیلم‌های آقای نوروزبگی یا هومن سیدی که بانک پاسارگاد سرمایه‌گذاری کرد. چند سال قبل شرکت نیرومحرکه برای آقای ابوالحسن داوودی سرمایه‌گذاری کرد و «نان، عشق و موتور ۱۰۰۰» را ساخت؛ ولی کسی تعجب نمی‌کرد.

۳ چرا در سینما پول شویی می‌کنند؟ چون نظام کاملاً درستی از نظر اقتصادی بود و همه چیز شفاف و صاحب نام و اطلاع بود. پولش هم کثیف نبود. بله؛ اصلاً پول کثیف یعنی منشأ پول مشخص نباشد. به همین سادگی. پول شویی یعنی چه؟ یعنی پولی را که منشأ مشخصی

هنر

گفت‌وگوی «شرق» با حامد عنقا، کارگردان و تهیه‌کننده سینما و تلویزیون

فاجعه بی‌توجهی مدیران ارشاد به سرمایه‌های مشکوک

ارشاد یک ماه زمان می‌خواهد که پروانه ساخت را آماده کند، می‌تواند یک ماه و نیم زمان صرف کند و حراست وزارت فرهنگ و ارشاد به جای اینکه به محتوای کار من گیر دهد، استعمال کند کسی که پول را تأمین کرده دزد است یا نه. بلافاصله پروانه ساخت را ندهد و اجازه ندهد وارد این چرخه آلوده شود. وقتی اعلام نمی‌کنم مسئولیت را بر سر عهده می‌گیرم. به هر حال، نهاد قضائی کارش در همه جوامع همین است و اتفاقاً وقتی قوه قضائیه درباره متهمی پرونده تشکیل داده و در موردش حکم صادر می‌کند یعنی بقیه از این اتهام بری هستند.

۴ البته برخی از مدیران سینما می‌گویند این وجه ماجرا به ما ارتباطی ندارد. نظرتان چیست؟

برای من این نگاه فاجعه‌آمیز است. یعنی کاملاً رفع مسئولیت‌کردن است. چون شاید نگاه درستی به موضوع سرمایه‌داری در کشور ما به شکل سلامتش نیست. وقتی من به سرمایه آلوده دارم وارد سینما می‌شوم اگر جلوی من سد شود، ناخودآگاه زمینه‌سازی ورود سرمایه‌داران سالم را فراهم می‌کنید. ارشاد باید هم‌زمان زیرساخت‌های پخش را هم تقویت کند. باید از سرمایه‌گذاری که می‌خواهد در کاری سرمایه‌گذاری کند، این‌طور حمایت کند که پول من بتواند بچرخد و دوباره وارد این تولید شود. مشکل از اینجا پیش می‌آید که فکر می‌کنیم این نگران‌هاش محدودکردن فضای سینماگران می‌شود. اصلاً این‌طور نیست. به نفع سینما این است که تو همه زمینه‌های ورود سرمایه را ایجاد کنی. مگر وزیر فرهنگ و ارشاد عضو هیئت دولت نیست؟ چرا یک طرح و لایحه در مورد کسانی که در حوزه فرهنگی سرمایه‌گذاری می‌کنند معاف از مالیات باشند، نداریم؟ تویی که صاحب کمپانی هستی که آخر سال باید ۲۰ میلیارد تومان مالیات بدهی را چرا ارشاد برایش شرایطی ایجاد نمی‌کند که در سرال من سرمایه‌گذاری کند و معاف از مالیات شود؟

۵ اسبابسرای موزه‌های مهم دنیا کسانی هستند که پولشان زیادی است و بخشی را در این راه خیرات می‌کنند و از مالیات معاف می‌شوند.

مردم ایران وقتی به مشکلی برمی‌خورند فوراً می‌گویند دولت مقصر است. تو حاضر نیستی سر چراغ قرمز به بغل دستی‌ات راه بدهی. اما درباره تسامح و تسامح در کشور حرف می‌زنی؟ همیشه عادت کرده‌ایم از بالا چیزی به ما تزیق شود. اما ارشاد هم عادت کرده همیشه از خودش رزق مسئولیت کند. استعمال سرمایه‌گذار برای ایجاد کار امنیتی کار سختی نیست. وقتی شما می‌خواهید مثلاً در حراج تهران شرکت کنید، از چند روز قبل که فرم را پر می‌کنید از شما حساب بانکی می‌خواهد که اهلیت اینکه در این معامله باشید را دارید یا نه. چرا ارشاد از من نمی‌پرسد تو که می‌خواهی وارد ساخت یک سریال شوی، این اهلیت را داری که سرمایه‌های را جمع کنی؟ مهم‌ترین موضوع اهلیت است. بله اهلیت من را به عنوان تهیه‌کننده بررسی می‌کنی که سابقه‌ام چیست و توان تولید کار را دارم یا نه. چرا اهلیت سرمایه‌گذار را بررسی نمی‌کنی؟ اوایل انقلاب می‌گفتند فیلم‌های زمان شاه همه‌شان رقص و کاباره بود چون با پول نزول‌خوار تهیه می‌شد. درست هم می‌گفتند. ما که حداقل مدعیان این بوده که شیعه و مسلمانیم نباید این‌طور باشیم. ناراحتی یک‌سری افراد مثل من که گفته می‌شود به طیف اصولگرا و حزب‌اللهی مرتبط هستیم، این است که مدعیان این بوده. یعنی چیزی که من امروز می‌گویم نظام جمهوری اسلامی مدعیان این بوده است؛ به‌ویژه که الان نمونه‌هایش را شاهد می‌هستیم. من به این موجه موافق نیستم که وقتی معلوم می‌شود پول سریال «شهرزاد» از جای نامربوطی آمده است، مردم به بازیگران حمله می‌کنند.

۶ چون آنها خبر نداشتند؟

اگر خبر داشتند هم دمدست هستند و می‌شود به آنها اعتراض کرد. ولی حتما معترض فاسدی که وزارت ارشاد می‌کند، هستم. این کار اشتباهی که شما به شباهت حسینی و ترانه علیدوستی حمله کنید چون پول سریال از جای نامشخصی آمده یا مشکوک است، از طرفی اینکه وزارت ارشاد دفاع می‌کند هم بد است. وقتی یک موضوع مالی پیش می‌آید اولین کسی که باید مدعی شود، وزارت فرهنگ و ارشاد است، چون مدیران محترمی که در ارشاد هستند غیرمستقیم به واسطه رئیس‌جمهوری ایران شده‌اند که به واسطه رای مردم انتخاب شده و این مردم مصرف‌کننده هستند. تو به عنوان ارشاد باید مدعی این باشی یعنی وزارت ارشاد باید بگوید پول صندوق ذخیره را خرج سریال کرده‌ای؟ خودش به عنوان شاکي به دادگاه بیايد. وقتی یک خواننده روی استیج حرف می‌زند ارشاد به عنوان اینکه تو یک بخش از جامعه فرهنگی را می‌چسبیت کرده‌ای، مدعی‌العموم می‌شود. چرا وقتی جمعیتی به لحاظ اقتصادی حیثیت بقیه تهیه‌کنندگان و سرمایه‌گذاران سالم را از بین برده‌اند در دفاع از سرمایه‌گذاران سالم و مدعیان‌های مثبت اقتصادی که در سینما هستند، چرا ارشاد مدعی نمی‌شود که بگوید به چهره فرهنگی مملکت تقاضای پروانه ساخت داده‌ای که می‌تپه‌کننده امروز از بازیگران می‌خواهم در سریال شبکه خانگی ام بازی کند و می‌گوید چون در سریال «شهرزاد» بازی کرده‌ام شاید برایم دوباره حاشیه به وجود بیاید. چرا در دفاع از حیثیت این بازیگر محترم از کسی که پول آلوده آورده است، دفاع کنی؟

۷ نمی‌تربایتی که در ساخت و تولید داشته‌اید، بزرگ‌ترین مشکلی که در شبکه نمایش خانگی سد راه کارتان بوده است، چیست؟

شرایط من با بقیه مقداری فرق دارم. من «بیکسل» را هم که کار متفاوتی بود، با یک‌سری مشکلات جدید در شبکه نمایش خانگی و برای پخش از آی‌بی‌تی‌وی ساختم. معضل من با بقیه متفاوت بود... همیشه زودتر کارهایی را انجام‌دادن باعث می‌شود تو علاوه بر مشکلات عادی، مشکلات مضاعف هم داشته باشی.

۸ یعنی به نوعی جاده‌صاف‌کن باشیدی؟

بله. در «قلب یخی» مشکلاتی داشتیم که بعدها به دیگران که رسیدن آن معطلات حل شده بود. یکی از بزرگ‌ترین مشکلات ما عدم تعادل عرضه و تقاضایی است که در بازارمان وجود دارد که ان‌شاءالله حل شود.